

## عوامل همگرایی و واگرایی در روابط ایالات متحده و اتحادیه اروپا (۲۰۲۰ - ۲۰۰۸)

محمد رضا دهشیری<sup>۱</sup>

زهرا امامی<sup>۲</sup>

### چکیده

همگرایی و واگرایی یکی از موضوعات مورد بحث در عرصه روابط بین الملل است، در این میان اتخاذ سیاست‌های امنیتی و دفاعی ایالات متحده آمریکا در قبال اتحادیه اروپا در دوره اوباما و ترامپ در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۲۰ زمینه را برای همگرایی و واگرایی میان دو واحد سیاسی فراهم کرده است. امنیت متقابل، مشخصات فرهنگی و هم‌افزایی اقتصادی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کلیدی همگرایی ایالات متحده و اتحادیه اروپا است. در مقابل، تلاش روسیه برای نزدیکی به نواحی شرقی اتحادیه اروپا و تضعیف اتحاد فرا آتلانتیکی، مهم‌ترین عامل واگرایی میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا است. عوامل فوق این سؤال را مطرح می‌کند که عوامل همگرایی و واگرایی در روابط سیاسی-امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپا (۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰) چیست؟ در پاسخ به این سؤال این فرضیه مطرح شد که از سال ۲۰۰۸ تاکنون شاهد همگرایی در روابط آمریکا و اتحادیه اروپا در حوزه‌های مختلفی همچون حقوق بشر، تروریسم، ایران و تأکید بر پیمان فراتلانتیک گرای و واگرایی با تأکید بر به خطر افتادن هژمونی آمریکا، ناشی از همگرایی روسیه با اتحادیه اروپا هستیم.

**واژگان کلیدی:** سیاست‌های امنیتی، سیاست‌های دفاعی، سیاست خارجی، واگرایی، همگرایی

<sup>۱</sup> استاد تمام دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران ایران

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه مفید قم (نویسنده مسئول)

## مقدمه

پس از پایان جنگ جهانی دوم، نظام دوقطبی در ساختار نظام بین‌الملل حاکم شکل گرفت برای مقابله با تهدید امنیتی و نفوذ ایدئولوژی شوروی به کشورهای اروپایی، پیمان آتلانتیک شمالی را امضا نمود که باعث افزایش مشارکت اتحادیه اروپا با ایالات متحده گردید. روابط فرا آتلانتیکی بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا از پایان جنگ جهانی دوم یکی از ویژگی‌های مهم روابط بین‌الملل بوده است (Riddervold & Newsome, 2018: 505). در سال ۱۹۹۰ اعلامیه فرا آتلانتیکی روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده صادر گردید که بر ارزش‌ها و میراث مشترک تاریخی دو سوی آتلانتیک تأکید داشت و موجب گردید تا ایالات متحده بر سیاست‌های اتحادیه اروپا در موضوعات مختلف تأثیر گذار باشد. در مورد تأثیر ایالات متحده بر سیاست‌ها و راهبردهای اتحادیه اروپا نوشته‌های بسیاری را می‌توان یافت (Cross & Karolewski, 2017; Hooghe et al, 2018). با این وجود شاهد این بوده‌ایم که ایالات متحده و اتحادیه اروپا در بسیاری از موضوعات بین‌المللی دارای اختلاف بوده‌اند. روابط بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا با سایر بازیگران بین‌المللی متفاوت است. هیچ منطقه دیگری در جهان به اندازه اروپا و ایالات متحده با اقتصاد، امنیت و سیاست ارتباط نزدیکی ندارد (Oliver, 2016: 2; Smith & Gebhard, 2017: 303). در دوره اوپاما و ترامپ شاهد مسائلی بوده‌ایم که به مرور زمان موجب شکاف در روابط ایالات متحده و اتحادیه اروپا گردیده است. در واقع روی کار آمدن ترامپ، شرایط را برای اتحادیه اروپا که بعد از جنگ جهانی دوم زیر چتر امنیتی ناتو بود را، تغییر داده است.

ترامپ از جنگ جهانی دوم برخی از اصول اساسی در زمینه روابط فرا آتلانتیکی از جمله روابط تجارتي و حمایت از مؤسسات و موافقت‌نامه‌های چندجانبه مانند توافق‌نامه پاریس در مورد تغییر اوضاع و توافق هسته‌ای ایران را به چالش کشیده است (Riddervold & Newsome, 2018: 506). فرید زکریا اظهار کرده است که ترامپ در مرکز یک نظم بین‌المللی باز و مبتنی بر قانون، از ایده سابق آمریکا فاصله گرفته که این می‌تواند در

معکوس با بیش از ۷۰ سال سیاست خارجی ایالات متحده باشد (Zakaria, 2017: 11). با این پیش‌زمینه که در سال‌های اخیر روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده را تحت تأثیر قرار داد این سؤالات مطرح شده است که: (۱) آیا روابط ایالت متحده آمریکا و اتحادیه اروپا به سوی واگرایی پیش رفته است یا این که آیا کشورهای عضو اتحادیه اروپا در پاسخ تکه‌تکه‌تر شده‌اند؟ آیا روابط ایالات متحده و اتحادیه اروپا در زمینه‌های مختلف تقویت یا تضعیف شده است؟ در این خصوص مطالعاتی بسیاری صورت گرفته که به روابط بین آتلانتیک بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا پرداخته‌اند (Frölich 2012; Peterson 2018). ایالات متحده و اتحادیه اروپا با چالش‌هایی همچون ادعاهای ارضی روسیه در اوکراین و قطب شمال و چین در دریای جنوبی روبه‌رو هستند. چالش‌های طولانی‌مدت در ارتباط با بی‌ثباتی مالی و تغییر اوضاع نیز نگرانی‌هایی است که اتحادیه اروپا و ایالات متحده در آن سهیم هستند. به نظر می‌رسد که آن‌ها نسبت به این مسائل همگرایی بیشتری دارند (Riddervold & Newsome, 2018: 507). در مورد اسرائیل نیز بین سخنرانی‌های ترامپ قبل و بعد از انتخابات هماهنگی وجود داشته و وعده وی برای انتقال سفارت اسرائیل از تل‌آویو به اورشلیم تا حدی عملی شده است. از منظر سیاسی، مواضع رابطه با اسرائیل فرق چندانی نمی‌کند و حتی اوباما که رابطه شخصی با نتانیاهو داشت، پشتیبان جدی آن کشور بود (Guerlain, 2018: 3). مسئله‌ای که می‌توان در سیاست خارجی کشورهای اروپایی مشاهده نمود.

تغییر دولت در ایالات متحده موجب تغییراتی در ترسیم و اجرای سیاست خارجی می‌گردد. انتقال ریاست جمهوری از اوباما به ترامپ موجب شکل‌گیری سیاست خارجی جدید آمریکا گردیده است. دیدگاه آرام باراک اوباما با نگرانی نامطبوع ترامپ جایگزین شد که به نظر می‌رسد مشتاقانه چشم‌انداز سخت‌گیرانه‌تر سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار داده است. اوباما یک سیاست خارجی فعال را دنبال کرد، اما ترامپ در تلاش است تا به‌جای گفتگو بر حاکمیت و ورود به رقابت با رهبران سرکش گر، در سیاست خارجی

خود تأکید نماید (Brânda, 2018: 160). انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری و دیدگاه‌های بحث‌برانگیز وی درباره سیاست خارجی باعث ایجاد اختلاف در روابط آمریکا و نزدیک‌ترین متحدان وی در جهان شده است (Rasmussen, 2016: 12). حمایت او از برگزیت<sup>۱</sup>، حملات تلخ او علیه ناتو و انتقادات شدید در مورد اقدامات تجاری اتحادیه اروپا در طول انتخابات، پیش‌بینی یک تغییر اساسی بود. همچنین، تعهد اصلی ترامپ به آمریکا اول در طول مبارزات انتخاباتی پیام شفافی برای همه شرکای آمریکایی ارسال کرد و نشانگر دوره جدیدی در سیاست خارجی ایالات متحده بود، عصری که در آن منافع ملی بر سایر ملاحظات غلبه می‌کرد (Guerlain, 2018: 1).

با این تفاسیر روابط آینده ایالات متحده با متحدان اروپایی آن نامشخص است. متحدان اروپایی به‌وضوح نگران این هستند که تغییر ریاست جمهوری چه تأثیری در روابط ایالات متحده با ناتو و قراردادهای امنیتی که تقریباً ۷۰ سال برقرار است، خواهد داشت (Kaufman, 2017: 251). مشارکت‌های امنیتی نهادینه‌شده، روابط اقتصادی پیچیده و برداشت‌های تهدید مشترک در روابط ایالات متحده و اتحادیه اروپا به این بازیگران بین‌المللی کمک کرده تا باهم همکاری کنند و روابط کاری خود را که دهه‌ها قبل از آن برقرار کرده بودند، ادامه دهند. با این حال، در سال‌های اخیر، این رابطه در معرض مشکلات و چالش‌های جدی قرار گرفته است. سخنان انتقادی ترامپ در مورد کشورهای مختلف اروپایی تحریک‌کننده در روابط با کشورهای اتحادیه اروپا بوده و اکنون غیرقابل پیش‌بینی بودن مشخصه تعیین‌کننده نگرش ایالات متحده به اتحادیه اروپا است (Kanat, 2018: 77-78).

همواره در روابط سیاسی-امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپا، عواملی موجب همگرایی و واگرایی گردیده است. این موارد را می‌توان در تأکید آمریکا بر پیمان فراآتلانتیک‌گرایی، هم‌افزایی اقتصادی، حقوق بشر، جلوگیری از تروریسم، برنامه هسته‌ای

<sup>1</sup> Brexit

ایران، برنامه هسته‌ای کره شمالی، دغدغه ایالات متحده از همگرایی روسیه با اتحادیه اروپا و برگزیت خلاصه نمود. این مسائل نیاز به بررسی سیاست‌های امنیتی و دفاعی اوباما و ترامپ نسبت به اتحادیه اروپا را آشکار می‌سازد. این موضوع در صدد است یافته‌های قابل‌تعمیم‌تری در مورد روابط معاصر ایالات متحده و اتحادیه اروپا و ویژگی‌های این روابط، فراتر از آنچه تاکنون در ادبیات موجود ارائه شده است، بررسی نماید. در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و از طریق چارچوب واقع‌گرایی تدافعی سعی خواهد شد تا به این پرسش پاسخ داده شود که عوامل همگرایی و واگرایی در روابط سیاسی-امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپا (۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰) چیست؟

## ۲. مفهوم‌شناسی همگرایی و واگرایی

واگرایی و همگرایی دو رفتار متضاد در روابط دولت‌ها و بازیگران سیاسی هستند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۳). همگرایی به صورت علمی پس از جنگ جهانی دوم به تجزیه و تحلیل بخشی از مسائل روابط بین‌الملل پرداخته است. در همگرایی تلاش بر این است که از عوامل اختلاف در زمینه‌های مختلف کاسته شود و از طریق شروع و گسترش همکاری‌های اقتصادی، فنی و تجاری و حتی سیاسی به ایجاد صلح و آرامش در یک منطقه یا جهان کمک نمود (غیور و نطقپور، ۱۳۹۲: ۱۷۰). نظریه پردازان مختلف همگرایی را به عنوان وضعیت خاص سیاسی و یا فرآیندی جهت تفویض وفاداری‌ها به سطح بالاتر از سطح ملی تعریف نموده‌اند (سیف زاده، ۱۳۸۵: ۳۸۵). هاس همگرایی را فرآیندی می‌داند که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌ها، فعالیت‌های سیاسی و انتقادات خود را به سوی مرکز جدیدی معطوف سازند که نهادهای این مرکز از صلاحیتی برخوردارند که دولت‌های ملی را تحت پوشش خود می‌گیرند (Hass, 1958: 16). در همگرایی سیاسی کشورهای همگرا سعی بر آن دارند که در مسائل جهانی و

منطقه‌ای سیاست‌های واحدی را از خود ارائه دهند (فولادی، ۱۳۹۷: ۵۲-۵۳). به عبارت دیگر همگرایی واژه‌ای است که در برابر واگرایی مطرح می‌گردد. واگرایی نیز در لغت به معنی عدم وجود ویژگی‌های مشابه در بین گروه‌های فرهنگی، نژادی و نظایر این‌ها در نقاط گوناگون و بدون ارتباط قبلی با یکدیگر است. واگرایی عبارت است از فرایندی که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از یکدیگر دور شده و در آن زمینه‌های بحران و جنگ فراهم می‌آید (قوام، ۱۳۹۵: ۲۲۹). مقوله همگرایی گاه به عنوان یک فرآیند در نظر گرفته می‌شود که شامل فعل و انفعالات و اقداماتی است که برای نیل به وحدت صورت می‌گیرد و گاه به عنوان یک وضعیت یا محصول نهایی وحدت سیاسی است (فرانکل، ۱۳۹۷: ۵۳). در خصوص واگرایی باید گفت که عوامل بسیاری سبب توسعه همکاری و برقراری اتحاد میان واحدهای سیاسی متفاوت می‌شوند. نیروهای واگرا نیروهایی هستند که در یک جامعه باعث تجزیه واحدهای سیاسی می‌شوند. واگرایی روندی است که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌های مستقل سعی می‌کنند اقدامات و تصمیم‌گیری‌های خود را بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و منافع دیگران و همکاری با آن‌ها در جهت رسیدن به اهداف و منافع دلخواه تنظیم نمایند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۳).

## ۵. عوامل همگرایی در روابط سیاسی و امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپا

عوامل بسیاری در روند همگرایی ایالات متحده و اتحادیه اروپا مؤثر بوده‌اند. اصلی‌ترین عوامل همگرایی در دوره اوباما و ترامپ را می‌توان پیمان ناتو؛ همپوشانی منافع و هم‌افزایی اقتصادی؛ پرونده هسته‌ای ایران، تروریسم و حقوق بشر عنوان نمود. سیاست ترامپ در حوزه اجتناب از درگیر شدن فعال در مسائل اروپا با سیاست اوباما هم‌راستا است، اما ترامپ بعد مهمی به این سیاست اوباما افزود و آن استفاده از منافع واگرایی اتحادیه اروپا بوده است.

## ۱- پیمان ناتو

پیمان ناتو به‌عنوان یک بازوی نظامی برای مقابله با خطراتی که امنیت بلوک غرب را تهدید می‌کند، تشکیل گردید. با پایان جنگ جهانی دوم، سوءظن‌های ایجادشده بین غرب سرمایه‌داری و اتحاد جماهیر شوروی شروع و تا فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ ادامه یافت (Luke, 2020: 309). در این دوره بلوک غرب به رهبری ایالات متحده و بلوک شرق به رهبری اتحاد شوروی دست به ایجاد پیمانی‌هایی برای مقابله با طرف مقابل زدند که از جمله می‌توان به ایجاد پیمان آتلانتیک شمالی به رهبری ایالات متحده در بلوک غرب اشاره نمود. با پایان جنگ سرد هرچند به نظر می‌رسید که ناتو کارکرد اصلی خود را از دست داشته باشد، اما با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و رشد گروه‌های تروریستی این پیمان همچنان به تداوم خود ادامه داده و موجبات همگرایی در بین اعضای این اتحادیه رو فراهم آورده است (قامت، ۱۳۸۹: ۱۴۸). با گسترش ناتو و تأمین مالی بیشتر آن از سوی آمریکایی‌ها، این دیدگاه حاکم شده که ایالات متحده از ناتو به‌عنوان سکویی برای مشارکت در منطقه استفاده می‌کند (Wieslander, 2010: 5). از دیدگاه امنیتی همکاری اتحادیه اروپا و ایالات متحده برای مبارزه با تهدیدات جهانی مثل تروریسم و جرائم سازمان‌یافته جهانی امری حیاتی است. انتخاب اوباما به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده یک رویداد مهم تاریخی است. انتخاب وی به جهانیان نشان داد که یک اقلیت می‌تواند رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده باشد (Canto & Wiese, 2018: 355). بر اساس راهبرد امنیت ملی اوباما در سال ۲۰۱۰ همکاری با نهادهایی مانند ناتو از اولویت‌های ایالات متحده بود. در سند استراتژی امنیت ملی اوباما در سال ۲۰۱۵ نیز آمده که ناتو قدرتمندترین ائتلافی است که جهان تاکنون دیده است و مرکزی برای توسعه شبکه امنیت جهانی است (استراتژی امنیت ملی اوباما، ۲۰۱۵). جلوگیری از تضعیف ناتو از راهبردهای کلان آمریکا در دوره اوباما در ارتباط با اتحادیه اروپاست.

با انتخاب ترامپ که مواضع وی با یک‌جانبه‌گرایی هماهنگ است، شاهد تغییر رویکردهای وی نسبت به ناتو بوده‌ایم. ترامپ در وعده‌های انتخاباتی خود بر منسوخ شدن پیمان امنیتی ناتو تأکید می‌کرد و معتقد بود که هزینه استقرار نیروهای ناتو بسیار زیاد است و این هزینه‌ها را می‌توان در جایی بهتر مورد استفاده قرارداد که نشان از تمام شدن مأموریت آمریکا در ناتو است (Cherkaoui, 2016: 3). دیدگاه‌های وی مورد انتقاد بسیاری از نهادهای رسمی و غیررسمی و سیاستمداران قرار گرفت، چرا که ناتو فراتر از عملکرد امنیتی آن، در رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و شکوفایی کشورهای عضو مؤثر است. اگرچه ترامپ این موضع را که ناتو منسوخ شده، رها کرده، اما همچنان پیشنهادهایی مبنی بر اینکه ایالات متحده می‌تواند تعهد خود را برای دفاع از اعضای ناتو در آینده تعدیل کند، دنبال می‌کند (Lewis, 2018: 21). با این وجود همچنان ناتو به‌عنوان بازوی نظامی بلوک غرب، می‌تواند یکی از عوامل اصلی همگرایی اتحادیه اروپا و ایالات متحده باشد؛ بنابراین می‌توان ناتو را به‌عنوان یک عامل همگرا در روابط ایالات متحده و اتحادیه اروپا دانست.

## ۲- همپوشانی منافع و هم‌افزایی اقتصادی

ایالات متحده و اتحادیه اروپا در مناطق مختلف جهان دارای منافع می‌باشند. نفت منطقه خاورمیانه از جمله این منافع مشترک است که موجبات همگرایی را فراهم نموده است (قامت، ۱۳۸۹: ۱۵۹)؛ بنابراین ممکن است به نظر برسد که متحدان ایالات متحده از ابزارهای نظامی به‌عنوان ابزاری برای سیاست‌های گسترده‌تر امنیت ملی دست کشیده‌اند (David, 2011: 10). با این وجود، دشوار است که استدلال کرد که اتحادیه اروپا یا هر کشوری به‌صورت جداگانه برابر ایالات متحده با همه عناصر قدرت اعم از دیپلماتیک، اقتصادی، نظامی، فناوری یا فرهنگی قرار گیرد (Deni, 2016: 40). علی‌رغم قدرت بی‌سابقه ایالات متحده، تقریباً در همه اقدامات طی ۲۰ سال گذشته و توانایی اثبات شده آن جهان، ایالات متحده ترجیح می‌دهد که در ائتلاف‌ها به کشورهای اروپایی به‌عنوان متحد



اصلی خود نگاه کند (The White House, 2015: 7). شکاف میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده در دوره اوباما، در پی تغییر رویکرد آمریکا در قبال تحولات شرق آسیا و مقابله با تهدید چین بوده است، ولی اوباما تلاش می‌کرد با سیاست چندجانبه‌گرایی، گفتگو و مذاکره با اروپایی‌ها مسائل بین‌المللی به‌خصوص مسائل خاورمیانه را مدیریت و نقش اروپا را در این زمینه پررنگ‌تر کند؛ اما در دوره ترامپ این شکاف عمیق‌تر شده و ترامپ به‌صراحت اعلام کرد که اولویت اول برای او منافع آمریکا است و این کشور دیگر نمی‌خواهد هزینه تأمین امنیت دیگران را به دوش بکشد. با این حال، هر دو طرف این هدف را دارند که اجازه دهند تجارت بین اروپا و ایالات متحده جریان داشته باشد (Lewis, 2018: 2). به نظر می‌رسد که همپوشانی منافع موجب همگرایی ایالات متحده و اتحادیه اروپا گردیده، هرچند این مسئله در دوره‌های مختلف شدت و ضعف داشته است.

عامل دیگر، روابط اقتصادی اتحادیه اروپا و ایالات متحده است که همواره به‌عنوان موتور محرکه اقتصادی جهانی مطرح بوده است. بدین مفهوم که در این چارچوب همه این کشورها را به‌عنوان پیشگامان جهان آزاد اقتصادی می‌شناختند و این مسئله یکی از پایه‌های عمده در روابط دو سوی آتلانتیک بوده که آن‌ها را به یکدیگر پیوند داده است. با آغاز بحران اقتصادی در تابستان ۲۰۰۷ جوی از عدم یقین و بی‌اعتمادی فضای حاکم بر اقدامات و ابتکارات بانک‌های معتبر اروپایی و آمریکایی را خصوصاً در پروژه‌های مالی فراگرفت (قربان پور و گودرزی، ۱۳۹۵: ۱۰۸). تأثیرات منفی این بحران بر اقتصاد اروپا به همگرایی اقتصادی آسیب وارد ساخت و از سوی دیگر، این بحران به‌صورت مستقیم، همگرایی سیاسی و امنیتی را متأثر از خود نمود (Hoffman, 2018: 212). در استراتژی امنیت ملی اوباما در سال ۲۰۱۵ آمده که ایالات متحده تعهدی عمیق در قبال اروپای آزاد، متحد و منسجم و صلح‌طلب دارد. اروپایی قدرتمند هم‌پیمان ضروری ایالات متحده به‌ویژه در بخش‌هایی مانند مقابله با چالش‌های امنیت جهانی، توسعه رفاه و محافظت از هنجارهای بین‌المللی است (استراتژی امنیت ملی اوباما، ۲۰۱۵). با این وجود، به تدریج و با فشار نهادهای

رسمی و غیررسمی بر دولتمردان جدید آمریکا، دیدگاه‌های سیاسی ترامپ در خصوص اتحادیه اروپا تا حدودی تلطیف شده است (Larres, 2017: 9).

### ۳- برنامه هسته‌ای ایران

مورد دیگر برنامه‌های هسته‌ای ایران و بحث انتشار سلاح‌های کشتار جمعی است. برنامه‌های هسته‌ای با توافق برجام به سرانجام رسید و مخالفت‌های بسیار ترامپ را در پی داشته است. مذاکرات با ایران در سال ۲۰۰۶ به بن‌بست رسید و پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع داده شد و اتحادیه اروپا هم‌راستا با تحریم‌های مصوب شورای امنیت اقدام کرده و مستقلاً اقدام به فشار مضاعف علیه ایران نمود. به‌رحال ضربه اصلی به روابط دو طرف زمانی پدید آمد که در اواخر سال ۲۰۱۲، اتحادیه اروپا تحریم‌های نفتی بر ایران وارد آورد (Korteweg, 2013: 12). با وجود رفتارهای متفاوت ایالات متحده و اتحادیه اروپا در این خصوص، سرانجام باهم متحد شدند که نمود این اتحاد در دوره اوباما، توافق برجام بود (محمدی‌نوده‌کی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۸). از منظر اوباما هدف از مذاکرات هسته‌ای با ایران عدم توانایی ساختن سلاح هسته‌ای است آمریکا هرگونه بهره‌مندی ایران از انرژی هسته‌ای را خطری برای صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای می‌داند، درحالی‌که اروپا با پذیرش حق ایران برای کاربرد صلح‌آمیز تکنولوژی هسته‌ای، بر این باور است که رفتار ایران را می‌توان با روش‌های مسالمت‌آمیز و مذاکرات دگرگون کرد. با این وجود در سال‌های قبل از به قدرت رسیدن ترامپ، آمریکا راهبرها و الگوهای رفتاری متفاوتی استفاده نموده که تا حدود زیادی اتحادیه اروپا نیز از آن پیروی نموده است (Goldberg, 2016: 37-47).

### ۴- تروریسم

در طول تاریخ، از تروریسم به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کنند. آمارها نشان می‌دهد که در طول سال‌های ۱۹۸۶ تا سال ۱۹۹۵، بسیاری از شهروندان آمریکایی توسط تروریسم بین‌المللی زخمی و کشته شده‌اند (Cunningham, )

70-19: 2000). در طول سال‌های بعد از ۱۱ سپتامبر تعداد بسیاری حمله تروریستی در سراسر جهان رخ داده که باعث تلفات بسیاری گردیده است. با وجود تحقیقات فروان، تروریسم بین‌المللی پدیده‌ای است که به‌وضوح درک نشده است. مقابله با تروریسم از اهداف اصلی ایالات متحده و امکانات نظامی و دیپلماتیک انگلیس و اسرائیل است (Fischer Et Al, 2019: 397-400). در دوره اوباما، افزایش بازیگران غیردولتی و فعالیت شبکه‌های فراملی به‌عنوان تهدید اصلی برای امنیت ملی ایالات متحده، موجب تغییر تاکتیکی در استراتژی ضد تروریسم ایالات متحده از حملات نظامی گسترده به حملات محدود و هدفمند گردید. استراتژی امنیت ملی اوباما در سال ۲۰۱۰، تروریسم، مسائل زیست‌محیطی و نگرانی‌های بشردوستانه را در اولویت خود قرار داده بود (Kaufman, 2014: 445) و در این زمینه به اقداماتی دست زده است. درحالی‌که همکاری‌های اتحادیه اروپا و آمریکا در مبارزه با تروریسم سال‌ها جنبه مثبتی از روابط بین آتلانتیک داشته، دولت ترامپ در سطح سیاسی برافزایش هزینه‌های دفاعی اروپا و همچنین افزایش نقش ناتو در اقدامات ضد تروریسم متمرکز شده است (Lewis, 2018: 2).

## ۷. عوامل واگرایی در روابط سیاسی و امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپا

باوجود روابط سیاسی و اقتصادی نزدیک و وابسته میان آمریکا و اتحادیه اروپا، این دو درباره برخی مسائل اختلافاتی با یکدیگر دارند که این اختلافات در دوره اوباما و ترامپ به نحوی موجبات واگرایی با اتحادیه اروپا را فراهم نموده است. این عوامل از قبیل برگزیت؛ برجام؛ برنامه هسته‌ای کره شمالی و تمایل روسیه به اتحادیه اروپا است.

### ۱- برگزیت

برگزیت به معنای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا بوده و این امر شامل خروج این کشور از بخش مالی بازار مشترک نیز است. با وجود جایگاه برابر زبان انگلیسی در رابطه با سایر زبان‌ها در اسناد رسمی اتحادیه اروپا، در عمل با نگاه دقیقی می‌توان به تصویری بسیار

متفاوت دست‌یافت. زبان انگلیسی نه تنها گسترده‌ترین زبان در جهان است، بلکه به شکلی گسترده به‌عنوان یک‌زبان بین‌المللی، هر کشوری از آن به‌عنوان یکی از زبان‌های اصلی خود استفاده می‌کند؛ بنابراین بعید است سرنوشت زبان انگلیسی به نحو قابل توجهی در سناریوی پس از برگزیت<sup>۱</sup> تغییر نماید (Saraceni, 2017: 350). ماده ۵۰ پیمان اتحادیه اروپا، خروج یک کشور عضو از اتحادیه اروپا را فراهم می‌کند، اما نقشه راه برای وضعیت جدید روابط سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی بین اتحادیه اروپا و شریک خارجی خود را ارائه نمی‌دهد (Whitman, 2016: 43). با این وجود مسئله خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، موضوعی است که موجبات اظهارنظر بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده را فراهم نموده است. خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، چشم‌انداز یک تجدیدنظر عمده در اهداف و جاه‌طلبی‌ها برای جایگاه انگلیس در جهان را نشان می‌دهد و پیامدهایی برای دیپلماسی انگلیس خواهد داشت (Johnson, 2016: 2).

آثار منفی برگزیت بر اتحادیه اروپا در زمینه سیاسی، مختل کردن پویایی سیاست داخلی آن است. پیامدهای اقتصادی برگزیت در توافقنامه تجارت اتحادیه اروپا با کانادا و سرمایه‌گذاری مشارکتی فرآتلاتنیکی ایالات متحده و اتحادیه اروپا دیده می‌شود (Oliver & Williams, 2016: 224). رویکرد سایر کشورها در این خصوص از جمله ایالات متحده قابل توجه است اواما به نحوی از عدم خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا حمایت کرده است، درحالی‌که ترامپ از همان ابتدا در کنار انگلیس برای خروج از بریتانیا قرار گرفت که این مسئله موجبات واگرایی در روابط ایالات متحده و اتحادیه اروپا شده است. با به قدرت رسیدن ترامپ، اختلاف نظر اتحادیه اروپا و ایالات متحده در امور جهانی بیشتر شده است. برخلاف روش اواما، ترامپ بعد از برگزیت یک پیشنهاد تجاری ویژه را با بریتانیا مطرح نمود (Special Report 2016: 13). در مجموع چندین سیاست موازی بین بریتانیا و ایالات متحده دیده می‌شود که فراندوم سال ۲۰۱۶ در بریتانیا و نتیجه آن که خروج بریتانیا

<sup>۱</sup> Brexit

از اتحادیه اروپا بود و انتخاب رئیس‌جمهور دونالد ترامپ در آمریکا از آخرین آن‌ها به شمار می‌رود (Wilson, 2017: 543-544). در مجموع باید گفت که ایالات متحده و اتحادیه اروپا دارای اشتراکات بسیاری در حوزه‌های مختلف هستند، اما برگزیت و حمایت ترامپ از آن موجب شده است تا واگرایی در روابط ایالت متحده و اتحادیه اروپا باشیم.

## ۲- برجام

مسئله ایران از جمله اثرگذارترین اختلاف میان اروپا و ایالات متحده است که به علت عملکرد اروپا علیه سیاست ایالات متحده، آن‌ها را در کنار روسیه و چین قرار می‌دهد. مناطق واگرایی، به‌ویژه در مورد توافق هسته‌ای ایران می‌تواند منجر به ایجاد اختلافات اساسی بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا شود (Lewis, 2018: 3). اوپاما با انتخاب یک مشی چندجانبه‌گرایی و مشارکت‌جویانه، شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی را علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران وضع کرد، اما در نهایت با به قدرت رسیدن دولت تعامل‌گرای حسن روحانی در ایران، با همان رویکرد چندجانبه‌گرایی، زمینه تحقق برنامه جامع اقدام مشترک موسوم به برجام را فراهم نمود (Prifti, 2017: 168). به دنبال توافق هسته‌ای و با توجه به واقع‌گرایی و عقلانیت حاکم بر دوره جدید و اهمیت والای منافع ملی، کشورهای اروپایی تلاش نمودند تا دور جدیدی از روابط و همکاری‌ها با جمهوری اسلامی را از سر گیرند که ابعاد مختلفی را شامل می‌گردد. بعد از خروج ایالات متحده از برجام، به نظر می‌رسد که اتحادیه اروپا و ایالات متحده در مورد خروج از این معاهده توافق ندارند.

نگرانی ویژه اتحادیه اروپا، واگرایی ایالات متحده از برنامه جامع اقدام مشترک است. ترامپ گفته که برجام بدترین معامله در تاریخ بوده و مجدداً مجازات‌هایی را برقرار نموده است (EU External Action, 2018: 13). سه طرف اتحادیه اروپا در برجام، فرانسه، آلمان و انگلیس دیدگاه خود را روشن کردند که برجام در حال کار است و باید ادامه یابد. واشنگتن در معرض خطر ایجاد اختلاف بزرگ با کشورهای اتحادیه اروپا به‌ویژه آلمان، انگلیس و فرانسه بوده است. مسئله‌ای که موجب تضعیف رویکرد ایالات متحده و اتحادیه

اروپا در قبال برجام و در نهایت تسلط روسیه و چین بر این بحث می‌شود (Lewis, 2018: 26). در مجموع باید گفت که از جمله مهم‌ترین واگرایی‌های اتحادیه اروپا و ایالات متحده در دوره ترامپ و اگرایی در خصوص برجام است که در این خصوص در دوره اوباما شاهد همگرایی اتحادیه اروپا و آمریکا بوده‌ایم. اختلافات در این زمینه تا حدی بوده است که اتحادیه اروپا به دنبال سازوکاری اقتصادی برای جبران نقض تعهدات برجامی از سوی آمریکا بوده و تلاش نموده تا از این طریق مناسبات اقتصادی و تجاری با ایران برقرار نماید.

### ۳- برنامه هسته‌ای کره شمالی

برنامه هسته‌ای کره شمالی از سال‌های بعد استقلال از شبه‌جزیره کره وجود داشته است. این مسئله موجب شده است تا قدرت‌های بزرگ همچون اتحادیه اروپا و ایالات متحده در قبال آن اظهارنظرهایی را داشته باشند که ابتدا همگرایی در این زمینه را نشان می‌دهد. اتحادیه اروپا برای ممانعت از تبدیل کره شمالی به یک دولت هسته‌ای ابتدا تضمین‌های امنیتی، وعده همکاری‌های اقتصادی و شناسایی سیاسی را به کره شمالی ارائه داد، اما در گام دوم بر استفاده از تحریم‌های اقتصادی، انزوای سیاسی و کاهش دسترسی به منابع برای فعالیت‌های هسته‌ای-نظامی تأکید کرد. در دوره اوباما کره شمالی در لیست وضعیت فوق-العاده آمریکا قرار گرفته و هر ساله تحریم‌ها علیه آن تمدید شده است (باقری دولت‌آبادی و درج، ۱۳۹۷: ۱۵۰). اوباما با اتخاذ سیاست صبر استراتژیک تحریم‌ها را علیه کره شمالی شدت بخشید و تلاش نمود از راه متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی کره شمالی را به میز مذاکرات برگرداند تا شاید به گزینه‌ای همچون برجام دست یابد (Carlin & Lewis, 2008: 17-18). به نظر می‌رسد که موضع اتحادیه اروپا در قبال کره شمالی با آمریکا هماهنگ نیست و متفاوت عمل می‌کنند. یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که در نیم سال اول دوره زمامداری ترامپ به وقوع پیوست افزایش بحران و تنش در شبه‌جزیره کره بود. شواهد نشان می‌دهد آمریکا بیش از آنکه به دنبال مقابله با کره شمالی باشد در پی تثبیت هژمونی خود در منطقه راهبردی پاسیفیک است (Swaine, 2017: 6). ترامپ در اولین

سفرهای خارجی خود در نوامبر سال ۲۰۱۷ طی سفری دوازده روزه به آسیای شرقی، ملاقات دوجانبه و چندجانبه‌ای با رهبران ژاپن، کره جنوبی، چین، ویتنام و فیلیپین انجام داد که یکی از مهم‌ترین اهداف آن تقویت اراده جهانی برای غیر اتمی کردن کره شمالی بود (Campbell, 2017: 13).

#### ۴- تمایل روسیه به اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان و واردکنندگان انرژی است و بخش عمده‌ای از انرژی موردنیاز خود را از روسیه وارد می‌کند. در این چارچوب در سال ۲۰۱۰ که مقارن با ریاست جمهوری اوباما در ایالات متحده است، ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا تقریباً ۵۳ درصد از کل مصرف سوخت خود را وارد می‌کردند (Paillard, 2010: 72). تحلیل روابط روسیه و اتحادیه اروپا در زمینه انرژی حاکی از وابستگی بیشتر روسیه به فروش گاز خود به اتحادیه اروپا است (European Union, 2016: 13). اگر وابستگی به انرژی ادامه یابد، اروپا ۹۳ درصد از نفت و ۸۳ درصد از گاز خود در سال ۲۰۳۰ را باید وارد نماید که عمده این واردات از روسیه، نروژ و خاورمیانه خواهد بود. اتحادیه اروپا و روسیه از لحاظ انرژی رابطه وابسته‌ای به یکدیگر دارند که احتمالاً تا ۲۰-۳۰ سال آینده ادامه خواهد داشت (Hoffman, 2018: 212).

در دوره دوم اوباما و همچنین دوره ترامپ در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ شاهد موارد اختلاف میان اتحادیه اروپا و روسیه نیز بوده‌ایم. بی‌ثباتی در قفقاز جنوبی پیامدهای قابل توجهی برای روابط اتحادیه اروپا با کشورهای این منطقه و بازیگران مهم منطقه‌ای به‌ویژه روسیه دارد. این موضوعات و تهدیدها برای اروپا بسیار مهم است، چراکه اتحادیه اروپا درصدد است انرژی خود را از طریق کریدور جنوب تأمین کند (Popescu, 2014: 3-4). زمانی که دولت اوباما، روسیه را یک قدرت منطقه‌ای خطاب کرد، اوج نزاع فلسفی و سیاسی بین دو قدرت جهانی بود. الحاق کریمه نشان داد که مسکو برای حفظ امنیت و هویت سیاسی خود، اقدام نظامی نیز انجام می‌دهد. در سال‌های آخر دولت اوباما، روابط

آمریکا و روسیه به سخت‌ترین شکل خود رسید و دو طرف در شرق اروپا و سپس در سوریه در مقابل هم قرار گرفتند (Allison & Simes, 2017: 25-2). بدون تردید اگر مواضع ایالات متحده و اتحادیه اروپا در مورد روسیه باهم هماهنگ باشند بی‌تردید مؤثرتر خواهد بود. سیاست مشترک تحریم‌های اتحادیه اروپا و ایالات متحده علیه روسیه همچنان برقرار است. با این وجود روسیه برای سوءاستفاده از نقاط ضعف در جوامع غربی تلاش‌هایی نموده است که موجبات واگرایی در روابط ایالات متحده و اتحادیه اروپا شده است. ایالات متحده از پیشنهاد روسیه برای مأموریت حفظ صلح سازمان ملل در شرق اوکراین استقبال کرده و به‌عنوان یک نشانه احتمالی آمادگی روسیه برای مذاکره دانسته است (Lewis, 2018: 29). عامل دیگری که در دوره ترامپ، اهمیت یافته، تأکید ترامپ بر یک‌جانبه‌گرایی است که موجب شده تا کشورهای هم‌چون روسیه تلاش نمایند تا به اتحادیه اروپا نزدیک‌تر گردند و این مسئله توانسته موجب واگرایی در روابط ایالت متحده و اتحادیه اروپا گردد.

### ۵- خروج آمریکا از معاهدات بین‌المللی

سال ۱۹۹۰ به بعد مواضع ژئوپولیتیک متفاوت، منافع آمریکا و کشورهای اروپایی را به جهت‌های مختلف سوق داده است. روندها مختلف در وابستگی به انرژی و برداشت‌های متفاوت از تغییر وضع اقلیمی جهان، منافع مختلف را شکل داده است. سطوح مختلف توانمندی نظامی در فراقنی قدرت با برداشت‌های واگرایانه از فرآیند توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از ریشه‌های نهضت‌های تروریستی و آسیب‌شناسی رژیم‌های دولتی پرخاشگر، تعامل داشته است. مقاومت گسترده در آمریکا برای پذیرفتن مشروعیت حقوق بین‌الملل موسسات جهانی به نوبه خود ریشه در اعتقاد نسبت به خصیصه استثنایی قانون اساسی آمریکا و آشکارا اخلاقی دانستن سیاست آمریکا و همچنین آشکار بودن برتری قدرت نظامی این کشور موجب گسترش فاصله و شکاف در مورد منافع و برداشت‌ها در دو سوی آتلانتیک گردیده است (قامت، ۱۳۸۹: ۱۵۲). با توجه به مراتب فوق است که



اروپاییان نگران قدرت مهار نشده آمریکا هستند و این که چگونه اروپا می تواند بخشی از کنترل از دست رفته خود را بر آمریکا مجدداً بدست آورد و دریابند آمریکا چگونه قدرت خود را اعمال می نماید (پیشین، ۱۶۱). لیست برخی از خروج آمریکا از تعهدات بین المللی:

سال خروج / تهدید به خروج	عنوان توافق نامه ی خارج شده / تهدید برای خروج
ژوئن سال ۲۰۱۷	توافق نامه اقلیمی پاریس
مه سال ۲۰۱۸	توافق هسته ای ایران
نوامبر ۲۰۱۷	توافق نیویورک
۲۰۱۷	پیمان آسمان باز
نیازمند تصویب کنگره	توافق نامه تجارت آزاد آمریکای مالی (NAFTA)
اکتبر ۲۰۱۷	یونسکو
ژوئن سال ۲۰۱۸	شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد
آگوست ۲۰۱۸	سازمان امداد و نجات سازمان ملل (UNRWA)
ژولای ۲۰۱۹	پیمان منع موشک های هسته ای میان برد (INF)
۲۰۲۰	مشارکت ماوراء اقیانوس آرام (TPP)
۲۰۲۰	پیمان مهاجرتی سازمان ملل
تهدید به خروج	سازمان جهانی بهداشت (WHO)
تهدید به خروج	تحریم دیوان بین المللی کیفری (ICC)

منبع: (Finucane & Manion , 2019)

بدون شك خروج آمریکا از تعهدات بین المللی از عوامل واگرایی با اتحادیه اروپا به شمار می رود چراکه هم منافع اتحادیه و هم جایگاه تعهدات بین المللی را تهدید می کند.

## نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شد روابط سیاسی و امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپا (۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰) بررسی شود. فرضیه پژوهش براین اساس بود که از سال ۲۰۰۸ تاکنون شاهد همگرایی در روابط آمریکا و اتحادیه اروپا در حوزه‌های مختلفی همچون حقوق بشر، تروریسم، ایران و تأکید بر پیمان فراتلانتیک گرای و واگرایی با تأکید بر به خطر افتادن هژمونی آمریکا، ناشی از همگرایی روسیه با اتحادیه اروپا هستیم. در این راستا و با توجه به چارچوب نظری واقع گرایی تدافعی تلاش شد تا به سؤالات پژوهش پاسخ داده شود.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ایالات متحده و اتحادیه اروپا از مؤثرترین بازیگران در عرصه بین‌الملل می‌باشند که از پایان جنگ سرد در بسیاری از زمینه‌ها با یکدیگر به همگرایی و همگرایی پرداخته‌اند. در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۰ نیز این مسئله را می‌توان در روابط اوباما و ترامپ با اتحادیه اروپا مشاهده نمود. در این بین اتحادیه اروپا تلاش نموده تا فرصت رابطه با ایالات متحده را از دست ندهد و به نظر نمی‌رسد که بخواهد در جهتی حرکت نماید که در راستای تیره شدن روابط با ایالات متحده گردد. ضمن این که ایالات متحده هم نمی‌خواهد روابط دو طرف تیره‌تر گردد. هرچند در دوره ترامپ شاهد تار شدن روابط اتحادیه اروپا و ایالت متحده و واگرایی در مسائل مختلف بوده‌ایم، ولی همچنان مسئله امنیت متقابل از مهم‌ترین مؤلفه‌های کلیدی در روابط این دو بوده است. در این چارچوب، این دو بازیگر در راهبردها و سیاست‌های خود تلاش نموده‌اند تا در عین تأمین امنیت خود بر امنیت دیگری صدمه‌ای وارد نگرند. بسیاری از زمینه‌های همکاری مهم بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا وجود دارد. در خصوص مسئله هسته‌ای ایران و بحث برجام باید گفت که هسته‌ای شدن ایران از جمله مسائل مهم در رابطه بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده بوده است که در دوره اوباما موجبات همگرایی فراهم نموده، اما در دوره ترامپ شاهد آن بودیم که ترامپ به مخالفت با آن پرداخت و از این توافق خارج شد که

با مخالفت کشورهای اروپایی روبه‌رو گردید. مسئله‌ای که همچنان نیز ادامه دارد و به واگرایی با یکدیگر در این رابطه پرداخته‌اند.

در مجموع می‌توان این‌گونه تحلیل نمود که این دو با وجود موارد اختلاف و وجود مسائل مختلف واگرایی، تأمین امنیت خود را در کاهش امنیت دیگری نمی‌بینند. با این وجود به دنبال کسب قدرت در برابر سایر قدرت‌های جهانی هستند؛ بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که با توجه به نفوذ سیاسی و اقتصادی ایالات متحده و اتحادیه اروپا در مسائل جهانی، این دو از بازیگران تأثیرگذار در عرصه جهانی محسوب می‌شوند.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- باقری دولت آبادی، علی؛ درج، حمید، (۱۳۹۷)، «سیاست دونالد ترامپ و مسئله هسته‌ای کره شمالی»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۷، شماره ۲، تابستان، صفحات ۱۴۳-۱۷۲.
- برزگر، کیهان، (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول، بهار، صفحات ۱۱۳-۱۵۳.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ اول، مشهد: نشر پاپلی.
- سیف‌زاده، حسین، (۱۳۸۵)، معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- صادقیان، وجیهه، (۱۳۹۲)، «رابطه امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپا»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۶، شماره ۲، تابستان، صفحات ۵۶۵-۵۷۰.
- عباس‌اشلقی، مجید؛ فرخی، مرتضی، (۱۳۸۸)، «چارچوبی تحلیلی برای مفهوم امنیت از منظر سازه‌نگاری»، مجله مطالعات سیاسی، دوره ۲، شماره ۶، زمستان، صفحات ۷۱-۹۶.
- غیور، امین؛ نطاق‌پور، مهدی، (۱۳۹۲)، «عوامل منطقه‌ای مؤثر بر همگرایی ایران و روسیه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، دوره ۲۱، شماره ۸۳، تابستان، صفحات ۱۶۷-۲۰۱.
- فولادی، مسعود، (۱۳۹۷)، «نقش بحران آب در سیاست خارجی کشورهای آسیای مرکزی: همگرایی یا واگرایی»، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال ۱، شماره ۳، تابستان، صفحات ۵۱-۶۵.
- قامت، جعفر، (۱۳۸۹)، «همگرایی و واگرایی اتحادیه اروپا و آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران»، مجله دانشنامه، دوره ۳، شماره ۷۸، پاییز، صفحات ۱۴۵-۱۶۸.
- قربانپورنجف آبادی، علیرضا؛ گودرزی، مهناز، (۱۳۹۵)، «بحران اقتصادی و مالی اتحادیه اروپا و همگرایی سیاسی و امنیتی اروپایی»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۹، شماره ۳۶، زمستان، صفحات ۱۰۷-۱۳۸.
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۹۵)، سیاست‌شناسی مبانی علم سیاست، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۹۷)، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.

- کالاهان، پاتریک، (۱۳۸۷)، *منطق سیاست خارجی آمریکا: نظریه‌های نقش جهانی آمریکا*، ترجمه نادر پورآخوندی، داود غرایاق‌زندگی، محمود یزدان فام، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۵)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- میرشایمر، جان، (۱۳۹۳)، *تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، چاپ چهارم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

## ب) منابع انگلیسی

- Allison, Graham, & Simes, Dimitri (2017), "Trump and Russia", *The National Interest*, January-February 2017.
- Brânda, Oana-Elena, (2018), *Changes in the American Foreign Policy: From Obama to Trump*, International Conference Knowledge-Based Organization, Volume 24: Issue 2, Jul 2018, Pages: 160-165. <https://doi.org/10.1515/kbo-2018-0083>
- Campbell, C, (2017), "Everything You Need to Know about President Trump's Grueling Asia Tour". Time. Available at: <http://time.com/5006936/donald-trump-chinavietnam-philippines-korea-japan-apec-asean/> (accessed 13 December 2017).
- Canto, Victor A, & Wiese, Andy, (2018), Chapter 41: Realignment?, *Economic Disturbances and Equilibrium in an Integrated Global Economy*, Pages 355-367. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-813993-6.00041-6>
- Carlin, Robert, & John W. Lewis, (2008), *Negotiating with North Korea: 1992-2007*, Center for International Security and Cooperation Freeman Spogli Institute for International Studies, Stanford University, January 2008
- Cherkaoui, Mohammed, (2016), "Clinton versus Trump: Two-Distant Visions for America". Available at: <http://scar.gmu.edu/sites/default/files/MCherkaoui%20Report%20on%20US%20Politics.pdf>. pp 1-17.
- Cross, M. K., & I. P. Karolewski, (2017), "What Type of Power Has the EU Exercised in the Ukraine-Russia Crisis? A Framework of Analysis." *Journal of Common Market Studies* 55 (1): 3-19. <https://doi.org/10.1111/jcms.12442>
- Csizmazia, Gabor, (2017), "Decisive Change or Determined Continuity? The Trump Administration's Foreign and Security Policy Viewed from Central and Eastern Europe.", *Decisive Change or Determined Continuity*, Vol. 16, No. 3 (2017) 109-126.

- David S. Cloud, (2011), "Shaky Libya campaign shows NATO's weaknesses, Gates says," *The Los Angeles Times*, June 10.
- Deni, John R, (2016), Still the One? The Role of Europe in American Defense Strategy, *Orbis*, Volume 60, Issue 1, 2016, Pages 36-51. <https://doi.org/10.1016/j.orbis.2015.12.008>
- EU External Action, (2018), 'Speech by High Representative/Vice-President Federica Mogherini at the European Parliament plenary session on peace prospects for the Korean Peninsula in the light of recent developments', 13 March 2018, [https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage/41269/speech-high-representativevice-president-federica-mogherini-european-parliamentplenary\\_en](https://eeas.europa.eu/headquarters/headquarters-homepage/41269/speech-high-representativevice-president-federica-mogherini-european-parliamentplenary_en), 13 March 2018.
- European Union, (2016), Shared Vision, Common Action: A Stronger Europe, European Union Global Strategy, June 2016, [http://europa.eu/globalstrategy/sites/globalstrategy/files/pages/files/eugs\\_review\\_web\\_13.pdf](http://europa.eu/globalstrategy/sites/globalstrategy/files/pages/files/eugs_review_web_13.pdf) (accessed 13 Feb. 2018).
- Fischer, Robert J & Halibozek, Edward P & Walters, David C, (2019), Terrorism: A Global Perspective, Introduction to Security (Tenth Edition), Pages 397-432. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-805310-2.00016-0>
- Frölich, S. (2012), *The New Geopolitics of Transatlantic Relations. Coordinated Responses to Common Dangers*. Washington, DC: Woodrow Wilson Center Press.
- Goldberg, Jeffrey, (2016), "Goldberg, Interview with Barack Obama", *The Atlantic*, April 2017.
- Guerlain, Pierre, (2018), US Foreign Policy of Chaos under Trump: the Wrecker and the Puppeteers, *Paru dans Revue LISA/LISA e-journal*, vol. XVI-n°2 | 2018, page 1-20. <https://doi.org/10.4000/lisa.10208>
- Hass, Ernest, (1958), *The uniting of Europe*, Stanford University Press, Standford.
- Hoffman, Frank, (2018), *Ministry of Defence: Global Strategic Trends The Future Starts Today*, Sixth Edition.
- Hooghe, L., B. Laffan, and G. Marks. (2018), "Introduction to Theory Meets Crisis Collection." *Journal of European Public Policy* 25 (1): page 1-6. <https://doi.org/10.1080/13501763.2017.1310282>
- Johnson, B. (2016), Speech to the Conservative Party Conference, Birmingham, 2 October, <http://blogs.spectator.co.uk/2016/10/full-text-boris-johnsons-conference-speech/>, accessed 10 October 2016.
- Kanat, Kilic Bugra, (2018), Transatlantic Relations in the Age of Donald Trump, *Journal Article*, Vol. 20, No. 3 (Summer 2018), pp. 77-88. <https://www.jstor.org/stable/26469845>.

- 
- Kaufman, Joyce, (2017), The US perspective on NATO under Trump: lessons of the past and prospects, *International Affairs for the future*: 2 (2017) 251–266. doi: 10.1093/ia/iix009
  - Kaufman, Robert G, (2014), Prudence and the Obama Doctrine, *Orbis*, Volume 58, Issue 3, Pages 441-459. <https://doi.org/10.1016/j.orbis.2014.05.009>
  - Korteweg, Rem, (2013), *EU and Iran*. Center for European Reform.
  - Larres, Klaus, (2017), “Donald Trump and America’s Grand Strategy: U.S. foreign policy toward Europe. Russia and China”. Available at: <http://www.globalpolicyjournal.com/articles/conflict-and-security/donald-trump-and-america%E2%80%99s-grand-strategy-us-foreign-policy-toward-eu>.
  - Lewis, Patricia, & Parakilas, Jacob, & Schneider-Petsinger, Marianne, & Smart, Christopher, & Rathke, Jeffrey, & Ruy, Donatienne, (2018), The Future of the United States and Europe An Irreplaceable Partnershi, *The Royal Institute of International Affairs*, 25 May, page 1-51.
  - Luke, Timothy W, (2020), Cold War, *International Encyclopedia of Human Geography (Second Edition)*, 2020, Pages 309-313. <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-102295-5.10455-X>
  - Oliver, T., and M.J. Williams, (2016), “Special Relationships in Flux: Brexit and the Future of the US-EU and US-UK Relationships.” *International Affairs* 92 (3): Pages 547–567. <https://doi.org/10.1111/1468-2346.12606>
  - Oliver, Tim, (2016), “Goodbye Britannia? The International Implications of Britain’s Vote to Leave the EU,” *Geopolitics, History, and International Relations* 8(2): 214– 233.
  - Paillard, Christophe-Alexandre, (2010), “Rethinking Russia: Russia and Europe’s Mutual Energy Dependence”, *Journal of International Affairs*, Vol. 63, No. 2 (Spring/Summer).
  - Pennisi di Floristellam, Angela, (2019), United States and European Union Evolving Approaches in Southeast Asia: Moving Closer to Convergence or Divergence?, *Journal of Current Southeast Asian Affairs*, August 5, 2019, Vol. 38(2): page 172–193. <https://doi.org/10.1177/1868103419866533>.
  - Peterson, J. (2018), *Europe and America: Partners and Rivals in International Relations*. Rowman and Littlefield.
  - Popescu, N, (2014), EU-Russia: Overcoming Stagnation, European Union Institute for Security Studies, January, Available at: [http://www.iss.europa.eu/uploads/media/Brief\\_3\\_EU-Russia.pdf](http://www.iss.europa.eu/uploads/media/Brief_3_EU-Russia.pdf), Accessed on: January 1, 2015.
  - Prifti, Bledar, (2017), *US Foreign Policy in the Middle East: The Case for Continuity*: Springer.
  - Rasmussen, Anders Fogh, (2016), *The will to lead: America’s indispensable role in the global fight for freedom*, New York, Broadside, 2016, pp 10-25.

- Riddervold, Marianne, & Newsome, Akasemi, (2018), Transatlantic relations in times of uncertainty: crises and EU-US relations, *Journal of European Integration*, Volume 40, Issue 5, 08 Oct 2018, Pages 505-521. <https://doi.org/10.1080/07036337.2018.1488839>
- Saraceni, Mario, (2017), Post-Brexit English: A post-national perspective, *World Englishes*, page 250-251. 0883-2919 doi: 10.1111/weng.12271
- Smith, Simon J, & Gebhard, Carmen, (2017), "EU-NATO Relations: Running on the Fumes of Informed Deconfliction." *European Security* 26 (3): 303-314. <https://doi.org/10.1080/09662839.2017.1352581>
- Special Report, (2016), Future Policy Organization Rethinking our world. Available at: <https://fpoglobal.com/control/wp-content/uploads/2016/11/Trump-Foreign-Policy-Challenges.pdf>.
- Swaine, Michael D, (2017), "Chinese Views on the Trump Administration's Asia Policy", *China Leadership Monitor*, No. 53, pp.1-14. Available at:<https://www.hoover.org/sites/default/files/research/docs/clm53ms.pdf>
- The White House, (2015), "The National Security Strategy of the United States," Feb. 2015, page 1-18.
- W.C. Cunningham, J.J. Strauchs, C.W. Van Meter, (2000), *The Hallcrest Report II: Private Security Trends 1970-2000*, Butterworth-Heinemann, Boston, 2000, page 19-70.
- Whitman, Richard G, (2016), The UK and EU Foreign, Security and Defence Policy after Brexit: Integrated, Associated or Detached?, *the uk and eu foreign, security and defence policy after brexit: integrated, associated or detached*, page 43-50.
- Wieslander, Anna, (2010), "NATO, the U.S. and Baltic Sea Security," *Swedish Institute of International Affairs UI paper* no. 3, p. 5, <http://www.ui.se/eng/upl/files/126872.pdf>.
- Wilson, Graham K, (2017), "Brexit, Trump and the special relationship", *The British Journal of Politics and International Relations*, Vol. 19(3): Page 543- 557.
- Zakaria, F, (2017), "FDR Started the Long Peace. Under Trump, It May Be Coming to an End." *Washington Post*. [https://www.washingtonpost.com/opinions/global-opinions/fdr-started-the-long-peace-under-trump-it-may-be-coming-to-an-end/2017/01/26/2f0835e2-e402-11e6-ba11-63c4b4fb5a63\\_story.html?utm\\_term=.6c3a972974cd](https://www.washingtonpost.com/opinions/global-opinions/fdr-started-the-long-peace-under-trump-it-may-be-coming-to-an-end/2017/01/26/2f0835e2-e402-11e6-ba11-63c4b4fb5a63_story.html?utm_term=.6c3a972974cd)
- Zandee, Dick, (2018), NATO in the TRUMP era: Surviving the crisis, *Policy Brief*, September 2018, page 1-6.